چرا نوجوان امروز زبان منبر را نمی‌فهمد؟

در سال‌های نه‌چندان دور، منبر مرکز اقناع دینی جامعه بود. صدای گرم خطیب، مثل موجی از یقین، در جان شنونده‌ها می‌نشست؛ چشمی اشک می‌ریخت و دلی توبه می‌کرد. اما امروز، وقتی یک نوجوان پای همان منبر می‌نشیند، اغلب نه گوش می‌دهد، نه باور می‌کند و نه تأثری نشان می‌دهد. چرا «ادبیات منبری» دیگر روی تین‌ایجرها جواب نمی‌دهد؟

به گزارش تبیان، ریشه را باید در «فرم» جست‌وجو کرد؛ نه صرفاً در «محتوا». دین تغییر نکرده است، اما زبان دین تغییر نکرده، در حالی که زبان دنیا عوض شده است. خطیب هنوز بر همان منبر چوبی ایستاده، ولی نوجوان در منبر دیجیتالِ ذهن خود سخنرانی می‌شنود: کوتاه، تصویری، احساسی، و بی‌واسطه.

منبر سنتی ساختاری خطی دارد؛ مقدمه‌ای آرام، روضه‌ای پرشور، و جمع‌بندی همراه با موعظه. اما ذهن نسل جدید در شبکه‌های اجتماعی به ساختارهای انفجاری خو گرفته است: اطلاعات جزیره‌ای، پیام‌های شتاب‌دار، و رابطه‌ای شخصی با احساسات. برای او، متن طولانی نه «سخن خدا» بلکه «وقت‌تلف‌کُن» است. اینجا همان شکاف نسلی است که تبلیغ دین را از اثر انداخته. مبلّغ هنوز با منطق گزاره و حجّت سخن می‌گوید، در حالی که نوجوان با منطق تجربه و عاطفه زندگی می‌کند. او قبل از فهمیدن، «حس می‌کند» و اگر احساس صداقت و ارتباط نگیرد، گوش نمی‌سپارد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «کونوا دُعاةً لنا بغیر ألسنتکم»؛ با رفتار و منش خود مردم را فراخوانید (الکافی، ج۲، ص۷۸). یعنی دعوت مؤثر پیش از آن‌که با زبان انجام شود، با زیست و هم‌دلی است. در منبر سنتی، دعوت اغلب «از بالا» شکل می‌گیرد، اما در دنیای تین‌ایجرها، هر چیزی که از بالا بیاید، به‌محض لمسِ اقتدار، رد می‌شود.

ادبیات منبری در جان خودِ «زبان تکلیف» دارد: باید این کار را بکنی، نباید آن را بکنی، عذاب این

است، ثواب آن است. اما تجربه زیسته نوجوان بر مدار «زبانِ تجربه» می‌چرخد: چرا باید؟ چگونه حسش کنَم؟ چه ربطی به من دارد؟ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وقتی می‌خواست حقیقتی را منتقل کند، از دلِ حسّ مخاطب وارد می‌شد. وقتی برای جوانی که اجازه زنا می‌خواست، دعا کرد، نخست پرسید: «آیا راضی می‌شوی کسی با مادرت چنین کند؟» این منطق تربیت است نه تحکم. او ارزش اخلاقی را در قالب تجربه شخصی ترجمه کرد.

مبلّغان امروز اما اغلب به‌جای گفت‌وگو، گفت‌وشنود می‌کنند؛ به‌جای «دعوت»، دستور می‌دهند. طبیعی است از نگاه نوجوان، منبر بیشتر «سیستم هشدار خطا» است تا چراغ راه.

نوجوان امروز بی‌دین نیست؛ بلکه بی‌میانجی است. او مستقیم به خدا رجوع می‌کند، چون زبان واسطه‌ها برایش ناشناخته شده. ایراد از ایمانش نیست، از تجربه دینی ماست که در فرم خود خشکیده است.

در قرآن، منطق گفت‌وگو جایگاه ویژه‌ای دارد: «ادعُ إلی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتی هی أحسن» (نحل:۱۲۵). سه مسیر متمایز اما پیوسته است: حکمت (عقلانیت شخصی‌سازی‌شده)، موعظهٔ نیکو (احساس هم‌دلانه)، و جدال احسن (گفت‌وگوی برابر). زبان منبری امروز اگر از این سه فاصله بگیرد، طبیعی است که تنها "صدا" بماند و نه "پیام".

برای ارتباط با نسل Z، دیگر نمی‌توان از «ادبیات خطابه» استفاده کرد؛ باید سراغ «ادبیات هم‌سفری» رفت. نوجوان امروز در جست‌وجوی معناست، نه مرجع. او مخاطب نیست، شریک است. از این‌رو منبر مؤثر باید:

– به‌جای موعظه، روایت کند؛ یعنی با قصه و تجربه زنده حرف بزند.

– به‌جای طول، بر ریتم تکیه کند؛ پیام‌های کوتاه‌تر، با چگالی احساسی بیشتر.

– به‌جای اقتدار، از گفت‌وگو بهره برد؛ پرسش را به رسمیت بشناسد.

– به‌جای زبان کلیشه، از زبان تصویری و روزمره استفاده کند.

اصلاح «ادبیات منبری» در حقیقت بازگشت به روح منبر است، نه جدایی از آن. منبر در آغاز رسانه‌ای بود برای پیوند قلب‌ها، نه فاصله میان عالِم و عوام. وقتی نوجوان حس کند خطیب از دنیا و درد او بی‌خبر است، دیگر گوشش را نمی‌سپارد، حتی اگر واژه‌ها مقدس باشند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «الناس أعداء ما جهلوا» (حکمت ۱۷۲)؛ آدمی دشمن چیزی است که نمی‌فهمد. اگر ادبیات تبلیغ نتواند مفهوم دین را در زیست روزمره نوجوان ترجمه کند، او دین را نمی‌فهمد و ناخواسته از آن فاصله می‌گیرد.

پس مسأله این نیست که اسلام کشش ندارد؛ بلکه ما کشش زبانی‌اش را از کار انداخته‌ایم. دین به زبان محبت، هم‌فکری و تجربه شنیده می‌شود؛ نه در لحن هشدار و تکرار.

تا زمانی که منبر، خود را رسانه‌ای «از بالا» بداند، پیامش به نسل پایین‌تر نمی‌رسد. ولی اگر «دعوت با منش» را جایگزین کند، نوجوان نه تنها می‌شنود، بلکه شریک در فهم دین می‌شود.

PDF Compressor Free Version

شعر طنز

تا نمیرم به بدترین خواری...

مهدی جهانبخش اورجی

دیگران کاکتند و ما خوردیم — ما نداریم که دیگران بخورند
این فشار روی ملت مشکل است — آن فشار قبر جز ماساژ نیست
تا نمیرم به بدترین خواری — از سرم دست برنمی داری
شیخ اگر ازدحام می‌خواهی — جای مسجد بساز بهداری
از شما چیز دیگری آیا — می رسد جز غم و گرفتاری؟
مردم بد کلاه بگذارند — تو که خوبی کلاه برداری
دار را هدیه می‌دهند اینجا — تا بمیرم به جرم بیداری
مال دنیا ندارم و عوضش — می‌دهم مالیات اجباری
هست در اصل نقش مسئولین — مثل بیماری شب ادراری
باورت می‌شود که چندین سال — درس خواندم برای بیکاری
قهوه با زهر مفت می‌دادند — ای خوش آن روزگار قاجاری
شعر گفتن چقدر آسان است — به خدا عین مملکت‌داری
حال دهقان قطار می دزد — مرحبا بر چنین فداکاری

معرفی کتاب

ویکنت دونیم شده اثر ایتالو کالوینو

ایتالو کالوینو از نویسندگانی است که جهان داستانی‌اش را نمی‌توان تنها با برچسب «ادبیات فانتزی» یا «ادبیات فلسفی» توضیح داد. آثار او هم‌زمان ساده و پیچیده‌اند؛ ساده در روایت و زبان، و عمیق در معنا. او مرز میان واقعیت و خیال را آگاهانه محو می‌کند تا بتواند حقیقتی عمیق‌تر از زندگی انسانی را نشان دهد. او نه‌تنها داستان‌پرداز، بلکه فیلسوفی ادبی است که پرسش‌های بنیادین درباره هویت، اخلاق، مسئولیت و دوگانگی انسان را در قالب روایت‌هایی در ظاهر ساده اما بسیار پیچیده بیان می‌کند. «ویکنت دونیم‌شده» یکی از شاخص‌ترین آثار اوست؛ کتابی که هم‌زمان قصه‌ای فانتزی، تمثیلی اخلاقی و تأملی فلسفی درباره انسان مدرن است. این داستان در فضایی تاریخی و نیمه‌افسانه‌ای رخ می‌دهد، اما مسئله‌ای که مطرح می‌کند امروزی و همیشگی است، انسان تا چه اندازه می‌تواند کامل باشد؟ آیا خیرِ مطلق یا شرِ مطلق به‌تنهایی قابل زیستن است؟ و اگر انسانی به دو نیم تقسیم شود، آیا یکی از این نیمه‌ها می‌تواند «انسان» باقی بماند؟

داستان از نگاه و زبان راوی‌ای نوجوان روایت می‌شود که به خاندان یک ویکنت تعلق دارد. این انتخاب راوی هوشمندانه است، زیرا نگاه کودکانه، بدون داوری، دقیق و سادگی روایتش باعث می‌شود وقایع عجیب داستان، طبیعی و ملموس باشد. راوی تلاش نمی‌کند چیزی را توضیح دهد و به دنبال قضاوت‌های اخلاقی صریح نیست؛ او تنها آنچه را می‌بیند روایت می‌کند و همین سادگی، لایه‌های عمیق معنا را برای خواننده آشکار می‌سازد.

ماجرا با حضور ویکنت در جنگی دوردست آغاز می‌شود. جنگ، در این اثر، فقط یک رویداد تاریخی نیست؛ بلکه نمادی از شکاف، خشونت و گسست درون انسان است. روایت کالوینو از جنگ در صفحه‌هایی ابتدایی داستان، چنان هولناک است که خواننده را شوکه می‌کند. او طبیعی و ساده و روان، کابوس جنگ، بیماری، قحطی و تن‌های تکه تکه شده، دریده و از هم گسیخته انسان‌ها و هر جاندار دیگری، پرندگان و چهارپایان، را توصیف می‌کند و خواننده در میان این همه تلخی و سیاهی، قلم، اندیشه و زبان او را می‌ستاید. ترجمه کتاب هم توانسته به خوبی این سادگی روایت، قدرت قلم و اندیشه کالوینو را نشان دهد. داستان از همان آغاز، خواننده را وارد جهانی می‌کند که هم واقعی است و هم استعاری. روایت در سرزمینی خیالی اما شبیه به ایتالیا در دوره‌ای تاریخی آغاز می‌شود؛ جایی که جنگ‌ها، اشرافیت، رعایا و ساختارهای سنتی قدرت هنوز نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی مردم دارند.

ویکنت جوان، در آغاز داستان انسانی معمولی است، نه خوب مطلق است و نه شر مطلق. او اشراف‌زاده‌ای است با غرور طبقاتی، حساسیت‌های اخلاقی محدود و نوعی فاصله از مردم عادی. با این حال، هنوز یک انسان «کامل» است؛ کسی که می‌تواند هم دلسوز باشد و هم خودخواه، هم خشن باشد و هم مهربان. او انسانی است که با جایگاه اجتماعی و نقش رسمی‌اش تعریف می‌شود. ویکنت هنوز خیلی جوان است که خودش و احساساتش را بتواند بشناسد و اکنون به جنگی رفته که نقطه‌ای تعیین‌کننده در زندگی اوست. جنگ نه با شرح‌های حماسی بلکه با نگاهی سرد و حتی طنزآلود توصیف می‌شود.

در یکی از نبردها، گلوله‌ای توپ، بدن ویکنت را از وسط می‌شکافد و اتفاقی رخ می‌دهد که منطق واقع‌گرایانه را می‌شکند و وارد قلمرو تمثیل و فانتزی می‌شود. ویکنت نمی‌میرد، بلکه به دو نیم تقسیم می‌شود؛ نیمه‌ای که نماینده‌ی شر و خشونت است، و نیمه‌ای که نماد خیر، اخلاق و مهربانی افراطی است.

پس از این حادثه، نیمه‌ی راست ویکنت به سرزمین خود بازمی‌گردد. این نیمه، تجسم کامل شر است. او بی‌رحم، خشک، قانون‌زده و عاری از هرگونه شفقت انسانی است. بازگشت این «نیمه‌ی شرور» فضای داستان را به‌کلی تغییر می‌دهد. در صحنه‌پردازی‌های بازگشت ویکنت شرور، کالوینو با جزئیات دقیق نشان می‌دهد که چگونه حضور او زندگی مردم را مختل می‌کند.

در روایت کالوینو، نیمه‌ی «بد» نه هیولایی افسانه‌ای، بلکه انسانی منطقی است؛ انسانی که ارزش‌های اخلاقی را کنار گذاشته و تنها به نتیجه و کارآمدی می‌اندیشد. کالوینو با زبانی طنزآلود اما گزنده، نشان می‌دهد که چگونه عقلانیتِ جداشده از اخلاق می‌تواند به همان اندازه‌ی جهلِ و خشونت ویرانگر باشد. نیمه‌ی خشن ویکنت، حتی در کارهای درست، نیت انسانی ندارد؛ کمک می‌کند، اما برای تحقیر؛ قانون اجرا می‌کند، اما برای نمایش قدرت. این تصویر، نقدی ظریف بر نظام‌هایی است که انسان را به ابزار تبدیل می‌کنند و اخلاق را قربانی نظم ظاهری می‌سازند.

اما نیمه‌ای که تجسم خیر مطلق است، معادله را پیچیده‌تر می‌کند. این نیمه، برخلاف انتظار، منجی بی‌چون‌وچرای مردم نیست. او هرگز «نه» نمی‌گوید، هیچ‌کس را قضاوت نمی‌کند و حتی در برابر شرارت، تنها با گذشت و نیکی پاسخ می‌دهد. در نگاه نخست، این نیمه نماد انسان آرمانی به نظر می‌رسد، اما کالوینو به‌تدریج نشان می‌دهد که خیرِ افراطی نیز می‌تواند آزاردهنده و حتی مخرب باشد.

کودک طلایی افتخار یا بار روانی سنگین؟

در برخی خانواده‌ها، یک کودک ناخواسته در جایگاهی قرار می‌گیرد که باید همیشه بهترین باشد، بی‌خطا، موفق و مایه افتخار. این نقش که در روانشناسی غیررسمی از آن با عنوان کودک طلایی یاد می‌شود، اگرچه در ظاهر مثبت به نظر می‌رسد، اما می‌تواند پیامدهای پنهان و ماندگاری بر سلامت روان کودک و روابط خانوادگی او بر جا بگذارد. به گزارش ایرنا، با توجه به مطلب منتشرشده در وب‌سایت تخصصی سلامت Cleveland Clinic، مفهوم کودک طلایی به الگویی تربیتی اشاره دارد که در آن یک فرزند به‌طور مداوم مورد تحسین، حمایت بی‌قید و شرط و انتظارات بالا قرار می‌گیرد. این رویکرد، هرچند گاه از نیت‌های مثبت والدین نشأت می‌گیرد، اما از نگاه کارشناسان می‌تواند تعادل عاطفی خانواده را بر هم بزند و در بلندمدت، چالش‌هایی جدی در شکل‌گیری هویت، عزت‌نفس و روابط اجتماعی فرد ایجاد کند.

کودک طلایی دقیقاً به چه معناست؟

بر اساس تحلیل‌های روانشناسی، کودک طلایی به فرزندی گفته می‌شود که در ساختار خانواده، به صورت مداوم به عنوان الگو، موفق‌ترین و بی‌نقص‌ترین عضو معرفی می‌شود. این کودک اغلب بیش از دیگران مورد توجه، حمایت و تحسین والدین قرار می‌گیرد و در مقابل، خطاها و کاستی‌هایش نادیده گرفته می‌شود یا توجیه می‌گردد. در چنین شرایطی، کودک به‌تدریج می‌آموزد که ارزشمندی او وابسته به عملکرد، موفقیت و برآورده کردن انتظارات دیگران است.

چرا این الگو در خانواده شکل می‌گیرد؟

کارشناسان معتقدند این الگوی رفتاری معمولاً ریشه در نیازهای برآورده نشده والدین دارد. گاهی والدین، ناخواسته فرزند خود را به ابزاری برای تحقق آرزوهای شخصی، اجتماعی یا حرفه‌ای‌شان تبدیل می‌کنند. در برخی موارد نیز، تمرکز بیش از حد بر یک کودک می‌تواند نتیجه مقایسه‌های خانوادگی، فشارهای فرهنگی یا سبک‌های تربیتی نادرست باشد، سبکی که در آن برنده بودن مهم‌تر از متعادل رشد کردن تلقی می‌شود.

نشانه‌های رایج کودک طلایی در دوران رشد

مطالعات حوزه سلامت روان نشان می‌دهد کودکانی که در این نقش قرار می‌گیرند، اغلب ویژگی‌های مشترکی از خود بروز می‌دهند. آن‌ها ممکن است در تشخیص خواسته‌ها و احساسات واقعی خود دچار سردرگمی شوند و برای جلب رضایت اطرافیان، بخش‌هایی از شخصیتشان را پنهان کنند. ترس از اشتباه، حساسیت شدید نسبت به انتقاد و اضطراب ناشی از شکست نیز از دیگر نشانه‌های رایج در این کودکان است.

تأثیر این نقش بر روابط خانوادگی

تمرکز افراطی والدین بر یک فرزند، معمولاً تعادل عاطفی خانواده را بر هم می‌زند. خواهر و برادرها ممکن است احساس نادیده‌گرفته‌شدن، رقابت یا حتی خشم پنهان را تجربه کنند. در چنین فضایی، روابط خواهر و برادری به‌جای همدلی و حمایت، به میدان مقایسه و کشمکش تبدیل می‌شود؛ مسئله‌ای که آثار آن می‌تواند تا سال‌ها در روابط بزرگسالی باقی بماند.

پیامدهای روانی در بزرگسالی

تجربه کودک طلایی بودن همیشه با حس اعتماد به نفس سالم همراه نیست. بسیاری از این افراد در بزرگسالی با احساس پوچی، اضطراب مزمن یا ترس از ناکافی بودن مواجه می‌شوند. وابستگی شدید عزت‌نفس به موفقیت‌های بیرونی، آن‌ها را در برابر شکست آسیب‌پذیر می‌کند و ممکن است باعث شود ارزش خود را فقط از نگاه دیگران تعریف کنند.

کودک طلایی و چالش هویت فردی

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این الگو، اختلال در شکل‌گیری هویت مستقل است. فردی که از کودکی به‌خاطر بهترین بودن دوست داشته شده، در بزرگسالی ممکن است نداند واقعاً چه می‌خواهد یا چه چیزی او را خوشحال می‌کند. این سردرگمی هویتی، تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی از جمله انتخاب شغل، روابط عاطفی و سبک زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

راهکارهای پیشنهادی برای بازسازی تعادل روانی

کارشناسان سلامت روان تأکید می‌کنند که آگاهی، نخستین گام برای تغییر است. شناخت این الگو و پذیرش تأثیرات آن، می‌تواند مسیر بهبود را هموار کند. روان‌درمانی، به‌ویژه رویکردهای مبتنی بر خودشناسی، به افراد کمک می‌کند ارزش شخصی خود را مستقل از موفقیت‌ها تعریف کنند و رابطه سالم‌تری با خود و دیگران بسازند.

نقش والدین در پیشگیری از این آسیب پنهان

متخصصان توصیه می‌کنند والدین به‌جای تمرکز افراطی بر دستاوردها، بر فرآیند رشد، تلاش و احساسات فرزندان توجه کنند. ایجاد فضایی امن برای اشتباه‌کردن، شنیده‌شدن و پذیرفته‌شدن بدون شرط، می‌تواند از شکل‌گیری نقش‌هایی مانند کودک طلایی یا کودک نادیده‌گرفته‌شده جلوگیری کند.

اداره ثبت اسناد و املاک بندر گناوه — عنوان موضوع: تنظیم تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: ۲۱۳۲۷ — اداره ثبت اسناد و املاک جنوب [illegible]

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: ۲۱۳۲۷ — اداره ثبت اسناد و املاک جنوب [illegible]

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — مهندس عادلی وصحی رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی تجدید حدود اختصاصی

[illegible]

تاریخ انتشار نوبت اول: [illegible] — تاریخ انتشار نوبت دوم: [illegible]
شماره آگهی: [illegible] — رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک شهرستان [illegible]